بیان نمادین در هنر

زیبایی

محمودرضا وکیلی

www.ketab.ir

سرشناسه : وکیلی، محمودرضا، ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور : بیان نمادین در هنر زیویه / محمودرضا وکیلی.
مشخصات نشر : تهران : آرمان نگار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : ۴۰۰ ص. : مصور، نقشه.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۰۴-۵۵-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : حفاری ها (باستان شناسی) -- ایران -- زیویه
موضوع : زیویه
رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ۸و۹ز / DSR۵۵
رده بندی دیویی : ۹۵۵ / ۴۲۳۲۰۴۳
شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۰۸۵۴۹

انتشارت آرمان نگار

شناسنامه کتاب

عنوان: بیان نمادین در هنر زیویه
مؤلف: محمودرضا وکیلی
صفحه‌آرا: آزاد حسنی - پرسنگ تهران
طراح جلد: محمودرضا وکیلی
ویراستار: سالار فتحی
نوبت چاپ: اول؛ ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۰۴-۵۵-۸

مرکز پخش: فرهنگسرای هنر و اندیشه / ۰۹۱۸ ۷۷۷ ۱۵۸۵
www.kurdbook.ir

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای مؤلف محفوظ است.

هرگونه استفاده تجاری، بازرگانی و آموزشی از این کتاب و یا تکثیر کلی یا جزئی آن، طبق قانون نشر، بدون کسب اجازه از مؤلف ممنوع بوده و پیگرد قضایی دارد.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۱

مقدمه ۱۲

فصل اول:

جغرافیای تاریخی دینی ۲۱

موقعیت جغرافیایی تاریخی زیویه ۲۳

مطالعات باستان‌شناسی زیویه ۲

جایگاه اعتقادات و اساطیر در دین و سیاست باستان ۱۰

فصل دوم:

آثار هنـــری زیویه ۳۸

معماری زیویه ۴۱

آثار سفالی زیویه ۵۷

آثار فلزی زیویه ۹۳

آثار زرین زیویه ۹۶

آثار برنزی زیویه ۱۰۷

آثار نقره‌ای زیویه ۱۱۸

آثار آهنین زیویه ۱۲۶

آثار عاجی زیویه ۱۲۷

www.ketab.ir

فصل سوم:

طبقه‌بندی، تحلیل و کارکرد نقوش و نمادهای زیویه ۱۳۱

نقوش هندسی ۱۳۹

خطوط ۱۳۹

خطوط نوشتاری ۱۳۹

خطوط ساده ۱۴۱

خطوط شکسته ۱۴۶

خطوط متقاطع ۱۴۸

اشکال هندسی ۱۵۰

مربع و مشتقات ۱۵۱

دایره و مشتقات ۱۵۶

مثلث و مشتقات ۱۶۹

نقوش سبیعی ۱۷۳

نقوش انسانی ۱۷۳

نقوش منسوب انسانی ۱۷۴

صحنه‌های تشریفاتی ۱۸۸

صحنه‌های شکار ۲۰۹

نقوش حیوانی ۲۲۳

بزکوهی ۲۲۴

شیر ۲۳۳

اسب ۲۴۴

قوچ ۲۴۶

گاو ۲۴۸

گوزن ۲۵۴

مار ۲۵۷

خرگوش ۲۵۹

سیاه‌گوش (گربه‌کوهی) ۲۶۱

پرندگان ۲۶۴

www.ketab.ir

عقـــاب ۲۶۵
مرغـــابی ۲۷۰
نقوش ســـماوی ۲۷۱
خورشـــید ۲۷۲
مـاه ۲۸۱
نقوش گیـــاهی ۲۸۲
رخت زندگـی ۲۸۳
گل نیلوفر (لوتوس) ۲۹۶
نـل رُزت ۳۰۰
میوه درخت کـ ۳۰۷
نقوش اسـاطـیری ۳۰۹
انسـان بال‌دار ۳۱۰
موجودات افســانه‌ای ۳۱۳
گوپت ۳۱۳
شـیردال ۳۱۹
لاماســو ۳۲۲
سایر جانداران ترکیبی ۳۳۰
فصل چهارم:
ســخن پایانی ۳۴۱
ضـــمائم: ۳۴۹
فهرست منابع فارســی ۳۵۱
فهرست منابع انگلیسی ۳۷۲
فهرست درگاه‌های اینترنتی ۳۸۳
فهرست جداول ۳۸۴
فهرست نمودارها ۳۸۴
فهرست نقشه‌ها ۳۸۴
فهرست تصاویر ۳۸۵
فهرست طرح‌ها ۳۹۷

www.ketab.ir

پیشگفتار

اندیشه انسان در طول تاریخ، همواره در مقابل ناشناخته‌هایی همچون آفرینش، مرگ و حوادث عظیم طبیعی نظیر آتش، طوفان، سیل و زلزله قرار گرفته و در برابر درک هر آن‌چه خارج از توانایی و دسترسی وی بوده، تصاویری اسطیره‌ای پا بر عرصه ذهن او نهاده تا کنترل نیروهای هستی‌بخش را بر یمنی را در دست بگیرد. این تصاویر در بیانی ساده، نمادهای خالصی از چرخه خلقت، زندگی و مرگ و نیز تصور مسائل با اهمیت زندگی انسان‌ها در قالبی موزون و روان بوده‌اند.

هنر هر منطقه، لزوماً بازگو کننده اندیشه، جهان‌بینی و سنت‌های رایج دینی، سیاسی و عقیدتی مردمان ساکن در آن است. هر چه بنیادهای فرهنگی و ارتباطات این هنر، با جهان پیرامون استوارتر و ریشه‌دارتر باشد، تجلیات هنری آن نیز مقاوم‌تر و پایدارتر خواهد بود. با این اوصاف، طرح‌ها، نقش‌ها و فرم‌های روی اشیا گنجینه زیویه نیز از غنی‌ترین ذخایر هنری هستند، که افزون بر ارزش‌های مادی، هویت معنوی و تاریخی بخشی از دنیای باستان را در تقابل و تعامل با هم‌پیمانان و همسایگانش رقم زده‌اند.

حضور عناصر و اشیا گوناگون هنری این گنجینه در ویترین موزه‌های بزرگ خارجی و فقدان مطالب منسجم و مدون تحلیلی در موردشان، لزوم بررسی خاستگاه اصلی و اسطوره‌های قراردادی

www.ketab.ir

در ارتباط با آن‌ها را در جهت روشن شدن تاریکی‌های حاکم بر یکی از عظیم‌ترین گنجینه‌های دنیای باستان فزونی بخشیده است.

کتاب حاضر، متضمن بررسی و تحلیل آثار این گنجینه و ردیابی پیام‌های هنری حاصل از کنش و واکنش آن در تاریخ و فرهنگ دینی و سیاسی این منطقه در تقابل با سایر تمدن‌های همجوار و هم‌عصر بوده که با طبقه‌بندی، تحلیل و کارکرد نقوش و نمادهای زیویه و آثار هنری مکشوفه از آن، تلاش گردیده با روش‌های آکادمیک، علمی و مستند و در چهارچوب موضوع کتاب مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

در نهایت سپاس می‌گویم پروردگارم را، به شکرانه لحظاتی که به آموختن دانش و ارتقای اندیشه گذشت و ستایشگر همه اندیشمندانی هستم که ضمن مطالعه آثار ارزشمندشان، بسیار آموختم و بدینگونه همراهی لحظه‌لحظه‌شان را در کنارم احساس نمودم. سپاسگزار عالم فرزانه و استاد وارسته‌ام، جناب آقای پروفسور علیرضا هژبرنوبری، آن دانشی‌مردِ گران‌مایه هستم، که بدون حمایت‌ها و راهنمایی‌های بی‌دریغش، این مهم مطمئناً میسر نمی‌گشت. همچنین از استاد گرانقدرم جناب آقای دکترعلی بیننده که در طول تحصیل با ایرانه مشوقم بودند، صمیمانه تشکر می‌کنم. در تتمه از فرماندار محترم سنندج جناب آقای دکتر زارعی، ریاست محترم اداره میراث فرهنگی شهرستان سقز جناب آقای گلالی، موزه‌های ایران باستان و سنندج و کلیه دوستان و عزیزانی که یاریگرَم بودند صمیمانه سپاسگزارم.

« خدایتان بخت یار و دل‌خوشی روزافزون کُناد! »

www.ketab.ir

مقدمه

تمدن‌های پیشرفته دوران عصر باستان، بر شالوده‌هایی از هنر استوار هستند، هنرهایی که گاه واقع‌نمایی و گاه نمادگرایی بوده‌اند. تصور فقدان این شالوده‌ها، سیمای تمدن بشر را در دوران باستان به کلی از هم پاشیده و اثری از جوشان باقی نخواهد گذاشت. مسلماً هنر و بیان‌های نمادین هنر در دوران باستان، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم عامل اصلی پیشرفت بوده است. هنرهایی که به گفته پرادا (۱۹۶۵) گاه اختلاطی و ترکیبی بوده، (ساعدموچشی،۱۳۸۸: ۱۲۲)، و بررسی و تحلیل آن‌ها به درک روابط و مناسبات بین ملل در دوران باستان کمک شایانی خواهد کرد.

زیویه یک تپه در حدود ۴۰ کیلومتری شرق سقز در جنوب شرقی دریاچه ارومیه و نزدیک یکی دیگر از تپه های باستانی شناخته شده، یعنی« حسنلو» است، (Wilkinson ۱۹۷۵:۷)، که در سال ۱۹۴۷م. (۱۳۲۵ه. ش.) به صورت کاملاً اتفاقی توسط پسربچه چوپانی پیدا شد. (ساعدموچشی،۱۳۸۸ :۱۲۱). در ۸ آوریل ۱۹۵۰ در مجله فرانسوی فرانسه مصور، گدار برای نخستین بار چگونگی دستیابی اشیاء منسوب به این تپه را مطرح کرده است. (ماسکارلا،۱۳۸۸ :۷۴).

زیویه یکی از بی‌نظیرترین مجموعه‌های با ارزش تمدن ایرانی

www.ketab.ir

در سده هفتم قبل از میلاد است. (میرمحمدصادقی،۱۳۷۸ :۱). باستانشناسان و مورخان فراوانی به مطالعه، تاریخگذاری و تجزیه و تحلیل هنری اشیا زیویه پرداخته و نتیجه این تحقیقات، تاریخ گذاری اشیای زیویه در نیمه اول هزاره اول ق. م. و انتساب آن‌ها به تمدن‌ها و اقوام شناخته شده‌ای چون آشوریان، اورارتوها، سکاها، ماناها و مادها بوده است. (نقشینه و همکاران،۱۳۹۰: ۱۰۶). با مقایسه یافته‌های باستانشناسی بین زیویه و گورستان چنگبار نزدیک آن، تاریخ گذاری دوره آهن۳ یعنی از اواسط قرن هشتم تا پایان قرن هفتم یا آغاز قرن سوم ق. م. مطرح می شود. (همان: ۱۱۶). عده‌ای گنجینه زیویه را متعلق به سده هفتم ق. م و زمانی که سکاها در این ناحیه بوده اند، دانسته‌اند.(واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۳۹). هرتسفلد که به دلیل تنوع اقلام مکشوفه در زیویه، در تاریخ‌نگاری آن عقاید متفاوتی وجود دارد اما شروع استقرار هنر زیویه را اواخر عصر آهن ۲ و اوایل عصر آهن ۳ (۸۰۰ تا ۵۵۰ ق. م.) ذکر کرده‌اند. (ساعدموچشی، ۱۳۸۸ : ۱۴۴).

ناحیه‌ای که گنجینه زیویه در آن یافت شده جزو سرزمین مانایی‌ها بوده است. (بهزادی،۱۳۷۱: ۱۰۱). لذا با توجه به شباهت آوایی، نام زیویه را از نام باستانی «زیبیه» می دانند که توسط سارگن دوم به عنوان اسم دژی مانایی بیان شده است. (ملکارلا، ۱۳۸۸: ۷۹). گریشمن با بازسازی رویدادها و حقایق باستان شناختی - تاریخی، این گنجینه را با رابطه میان آشوری‌ها و سکاها پیوند داده و آن‌ها را متعلق به پادشاه سکایی دانسته است. (همان :۸۰).

با ارزیابی آثار و اشیای به دست آمده از زیویه، هنری آمیخته و درهم تنیده از تمدن‌های گوناگون مطرح شده که ارتباط معناداری با سیاست حاکم بر این نقطه از تاریخ دارد. اختلاف و نابرابری نقوش موجود در زیویه که به عقیده ادیت پرادا نتیجه اختلاط عناصر هنری تمدن‌های آشوری، اورارتویی و سکایی است، (ساعدموچشی،۱۳۸۸: ۱۲۲)، ارتباط نقوش با سیاست را بخوبی

www.ketab.ir

نمایان می کند. نقوشی که به دلایل مختلفی چون روابط اقتصادی و داد و ستدهای روزمره و نیز اجبار حاصل از تسلط سیاسی بر منطقه بوده است.

اشیاء موجود در زیویه در سه دسته؛ ۱. اشیاء زرین ۲. اشیاء سیمین(نقره) و ۳. عاج‌ها تقسیم بندی می‌شوند. (بهزادی،۱۳۷۱ :۱۰۵۴). البته می‌توان اشیا سفالی و فلزی غیر از زر و سیم را نیز در این تقسیم‌بندی جای داد. اشیا سفالی زیویه از نظر شکل ظاهر به سفال‌های لایه دوم گودین تپه، نوشیجان و حسنلو و نیز پاره ای از سفال‌های ترسیان قرن هفتم و اوایل قرن هشتم قبل از میلاد شبیه است. (محمدی،۱۳۷۴: ۳۷). به عقیده کنتور (۱۹۶۰ م.) عاج‌ها و آثار فلزی مکشوفه زیویه، در کانون‌های هم پیمان با آشور ساخته شده‌اند. وی همچنین عقیده دارد که نفوذ سبک آشوری در زیویه به صورت مستقیم نبوده و در سرزمین اورارتو و تحت تاثیر آشور ساخته شده‌اند. (Kantor,1960: ۱۰۱). به هر ترتیب، این گنجینه و ویژگی‌های ترکیبی آن جایگاه رفیعی در کشفیات داشته و نقوش و طرح‌های اشیا آن مبین ذهن خلاق، لطافت طبع و ژرفای اندیشه سازندگانش است. (میرمحمدصادقی،۱۳۷۸ :۱). در نتیجه هنر زیویه نشان دهنده آثاری است که هم طرح و نقش آن، با فکر و اندیشه ای پایدار و اصیل گره خورده و هم با اعتقادات دینی، اسطوره‌ای و حتی سیاسی این سرزمین بوده و از طرفی نمایانگر مهارت هنرمندان این دوره در بکارگیری فنون و ویژگی‌هایی است که در اثر روابط اقتصادی یا سیاسی ما بین این منطقه و تمدن‌های همجوار خود به وجود آمده است.

عناصر رایج در هنر این منطقه، تصاویر شیر، گاو نر، درختان مقدس، پرندگان، جانوران خیالی، مراسم آیینی و نمادین بیشماری است که به مثابه یک کارگاه بزرگ هنری، ریشه هایش را باید در هنر میراث محلی اقوام بومی و نیز تمدن‌های آشوری، مانایی، اورارتویی و ... جستجو کرد.

www.ketab.ir

دولت آشور که در بخش علیای دره میان‌رودان واقع بوده است. (بهزادی،۱۳۹۱ :۲۵۱). تابع پیشرفت‌ها و کامیابی‌های کشور جنوبی « سومر» بوده و هر آن‌چه را از آن‌ها فرا می‌گرفتند با سنّجیه ملی خود سازگار می‌ساختند. (جنسن،۱۳۷۹: ۵۴) و (مرزبان، ۱۳۸۵: ۱۴). در این سرزمین هنر و صنعت به تمام معنا به وسیله دست انجام می‌شد هرچند که دستگاه‌های اندکی مانند دوک ریسندگی، چرخ و تنور کوزه‌گری نیز وجود داشت. (بهزادی، ۱۳۹۱: ۲۶۲). آشوریان در صنعت فلزکاری متبحر بودند. دقت و مهارت آنان در ساخت مهرهای استوانه‌ای و منبت‌کاری روی عاج بارز و مشهود بوده است. (همان: ۲۶۵).

دیاکونوف (۱۳۸۰) عقیده دارد، شباهت عناصر زیویه با آشور و اورارتو به علت انتقال هنرمندان آشور به سرزمین مانا و زیویه بوده است. (دیاکونوف ، ۱۳۸۸: ۳۷۲). همچنین، گنجینه زیویه نشان می‌دهد که در زمینه‌های هنری و صنعتی، آشوری‌ها، پیوسته در طلب هنرمندان بومی این ناحیه بوده‌اند. (بهزادی، ۱۳۷۱: ۱۰۵۲) آشوریان خود را به مراتب بالاتر از ملت‌های دیگر می‌پنداشتند و تنها ارزشی که برای بیگانگان قائل بودند، شناخت مهارت‌های آنان در آثار هنری بوده و از این رو آنان را برای تزئین بناهای خود استخدام می‌کردند. (بهزادی،۱۳۹۱: ۲۵۳). تأثیر و نفوذ دولت آشور بر دولت‌های مجاور را می‌توان نشانه‌ی آگاهانه، مؤثر ولی مستتر در تجلی نظام آهنگین آثار هنری این دوره دانست. (فنسی،۱۳۸۱: ۴۷).

در آن مقطع از تاریخ، بشر جویای حقیقت برای بیان احساسات دینی خود از نمادها، نشانه‌ها و رموزی بهره جست. نماد همچون سرّ یا رازی است که همواره باید از نو ارزش آن را درک کرد. نماد مناسب‌ترین رمز زبان برای بیان مفاهیم عرفانی، باورهای روحانی و آسمانی است. (الهی،۱۳۸۳: ۲۳). کاسیرر انسان را «موجودی نمادساز » می‌داند و یونگ از قدرت تصویرساز روان آدمی سخن می‌گوید.

www.ketab.ir

(مورنو، ۱۳۷۶: ۴۷). میرچا ایلیاده (۱۳۹۲) نماد و نمادگرایی را، فرصتی برای رهاسازی بشر از فرهنگ محدود خود و بالاتر از همه در نسبیت تاریخی و موجود خود دیده است. (کوپر،۱۳۹۲: ۱۳). نماد که سمبل و مظهر نیز نامیده می‌شود نشانگر یک اندیشه، شیء، مفهوم، چگونگی و جزء این ها می‌تواند باشد. (بهمنی، ۱۳۸۹: ۱۸). آثار هنری که دربرگیرنده نقوش و تصاویر نمادین دینی است با آیین ها، رسوم و شرایع ادیان پیش از اسلام ارتباط تنگاتنگی داشته است. هنرمند با زبان هنر، عمیق‌ترین حکمت‌های دینی را در قالب اشکال نمادین و سمبلیک بیان می‌کند. (دادور و برازنده،۱۳۹۲: ۱۱).

زمینه پیدایش نقوش و نمادها در هنر این منطقه در دو بستر عمده؛ اسطوره‌ها و آیین ها، که بنا به سرشت و ویژگی‌های مشترکشان با نماد، پیوندی ذاتی دارند بررسی می شوند. در اسطوره‌ها و آیین‌ها نیز شاهد مفاهیمی خارج از حوزه درک مستقیم هستیم به طوری که همواره برای ارائه آن ها ملزم به استفاده از نمادها بوده‌ایم. (کفشچیان مقدم و لاحقی،۱۳۹۰: ۶۶). حقایق و وقایع بیشماری که در ماورای ادراک بشری قرار دارند آن‌ها را واداشته تا برای ابراز اندیشه‌ها و مفاهیمی که بیان، فهم و توصیف کلامی مشکلی داشته‌اند، نظام‌هایی از علایم گوناگون ابداع کند. دکتر «کارل گوستاو یونگ» می‌گوید: واژه یا تصویر زمانی یک نماد است که متضمن چیزی در ماوراء معنای آشکار و مستقیم خود باشد. (کوه نور، ۱۳۸۴ : ۲۴).

آثار مکشوفه زیویه که مشتمل بر تصاویری از بت‌ها و موجودات عجیب‌الخلقه و تخیلی هستند، مرتبط با اعتقادات همسایگان سرزمین‌های غربی بوده که متأثر از دین هوریان و تا اندازه‌ای آشوریان است. (دادور و برازنده، ۱۳۹۲: ۲۷۱). ثبت نقوش هندسی، گیاهی، جانوری و انسانی در آثار زیویه، همانند نقش اسواستیکا، بر جنبه تزئینی، بیان بیم‌ها، امیدها و علایمی برای استعانت

www.ketab.ir

از طبیعت و نیروی ماورایی در مبارزه دائم و کشاکش حیات دلالت دارد. (هاشمی و چیت‌سازان، ۱۳۸۹: ۱۰۸). درخت زندگی که بسیاری از اقوام باستانی آن را جایگاه خدا، یا در واقع خودِ خدا می دانند. (هال، ۱۳۸۰: ۲۸۵). و گاهی نیز منشأ پیدایش انسان به شمار می رفته است. (خادمی‌کولایی، ۱۳۸۶: ۱۳). بزهای کوهی که مظهری از عوامل سودبخش طبیعی بودند و شاخ های خمیده آن را در نزول باران مؤثر می‌دانستند (حاتم، ۱۳۷۴: ۳۶۴). گریفین‌ها (شیردال) که ترکیبی از دو جانور شیر و عقاب که سلاطین زمین و آسمانند، و نمادی از خورشید و روشنایی، محافظ و نگهبان و نیز بانی خوش یمنی و خجستگی دانسته اند (جابرانصاری، ۱۳۸۷: ۱۰۱). انسان بالدار، که نمادی از قدرت محافظت و علامت ایزدی در هنر قبل از اسلام است و به نظر می‌رسد روح متوفی و پادشاه قدرتمند پس از مرگ باشد. (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲). و چندین تصویر و نماد دیگر در زیویه، بر کارکردهای دینی این نقوش مهر تأیید گذاشته و تجلی هنر دینی را در این نمادپردازی‌ها تضمین و ما را وادار به قبول این نکته می‌کند که نقوش زیویه برخاسته از فطرت خداجوی مردمان ساکن در این منطقه و تحت تأثیر فرهنگ و اعتقادات سرزمین‌های همجوار بوده است.

تابوت برنزی زیویه که نمونه‌هایی از آن، در ارتباط با کارکرد تابوت زنان و در زینجرلی با کاربرد وان حمام و جهت استحمام بوده است، (Wilkinson ۱۹۷۵:۹). و نوع تدفین رایج در تپه و گورستان چنگبار که در ۱۰۰۰ متری قلعه قرار گرفته (معتمدی،۱۳۷۳: ۶۸). و نیز تنوع و کیفیت اشیا درون گورها، نشانگر موقعیت دینی و اجتماعی افراد متوفی است که قابلیت‌های تصویری نمادها در هنر دینی محسوب گردیده اند.

به عقیده ملاصالحی (۱۳۹۰) در نظام‌های اسطوره ای آیینی جوامع عهد باستان، به سختی پدیده یا واقعیت و رویدادی را می‌توان

www.ketab.ir

یافت که بیرون از تجربه انسان از الوهیت، امور قدسی و مینوی باشد. به عبارت دیگر، در یک نظام فکری و اعتقادی متکی و مبنی بر کشش و چشش و فهم دینی انسان از چیزها، هر واقعیتی و هر پدیده‌ای به درجه‌ای دارای شناسنامه دینی است. (ملاصالحی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). پس می‌توان گفت بن‌مایه تفکرات و باورهای اقوام ایرانی در هزاره‌های نخستین پیش از میلاد، (که ساکنان زیویه نیز بخشی از این محدوده بوده‌اند) نقش گسترده‌ای در شکل‌گیری هنر ایرانی و دینی آنان داشته است. آنان، آن‌چنان نمادها را در راستای تفکرات خود در قالب نقوش به کار می‌گرفتند که هیچگاه نمی‌توان مقدس بودن این نقوش و نمادها را در نظر نادیده گرفت. همانند آنکه «بورکهات» هنری را مقدس دانسته که حکایت‌کننده رموز دینی و بازتاب رمزی و کنایی و تمثیلی صنع الهی باشد. (ایمنی، ۱۳۹۰: ۸۲). بررسی این نقوش و استخراج معانی باطنی آن‌ها می‌تواند راهی برای دستیابی به رمزهای اسطوره‌ای و دینی در نقوش زیویه باشد که در این کتاب به آن پرداخته و ثابت می‌شود، هنر مردمان این دوره، مقدس و در ارتباط مستقیمی با باورهای دینی آنان بوده است.

بر همین اساس و با استفاده از داده‌های تاریخی، هنری، باستان‌شناسی و مطالعات جغرافیایی منطقه و هم چنین لزوم پرداخت به قسمت‌های مجهول تاریخی مرتبط با موضوع این کتاب، و نیز عدم مقایسه اصولی و تطبیقی تصاویر روی آثار زیویه و مناطقی چون آشور، در هیچکدام از تحقیقات صورت گرفته، و با آگاهی از این نکته که می توان تاریخ هر ملت و قومی را به عنوان یک رشته از وقایع تاریخی در نظر گرفت که در هر دوره، هنر و آثار هنری، در قالب یک فرهنگ با هویت خاصی پدید آمده و آثار هنری همچون وقایعی قابل استناد، بدون تغییر و تحریف در طول زمان باقی مانده‌اند. (دادور و برازنده، ۱۳۹۲: ۱۰). لزوم پرداختن به این بخش لازم و ضروری به نظر رسیده و

www.ketab.ir

سعی می‌شود تا با کنار هم قراردادن تصاویر روی اشیا زیویه و تمدن‌های همجوار آن، با زبانی ساده و روان به بیان مؤثر روابط هنری ، فرهنگی و دینی بین این فرهنگ‌ها پرداخته شود. به سبب عدم وجود تحلیل در ارتباط با موضوع برهم‌کنش آثار و نمادهای مانا، علی‌الخصوص در زیویه و آشور نو، این کتاب می‌تواند آغازی بر تحقیقات مشابه در مناطق دیگر باشد.

www.ketab.ir